

رو نیست که، سنگ پای قزوینه ! (جوابی مختصر به یاوه گویی های اخیر ایرنا)

«ماغتیغولی یانغیل، اوچگول، یا لال اوتور یا دور ساچغیل،

بیر قوروقسیز ایتدیر غاچغیل، نصیحت یوقمایان آردن.»

ترجمه: «مختومقلی بسوز و بساز، یا خموش باش یا دردانه سخن گو.

دور باش از آنکه همانند سگ دم بریده نصیحت در گوشش فرو نمی رود.»

مختومقلی شاعر ملی ملت تورکمن

در اوائل انقلاب رئیس جمهور و فرمانده کل قوای جمهوری اسلامی ایران ابوالحسن بنی صدر- که میگویند بعدها با لباس زنانه از ایران فرار کرد گفته بود: «اگر توان آنرا داشتیم هفده شهر قفقاز را پس می گرفتیم». واقعا این حسرت بدل شوونیستهای فارس ماند و آن هر از گاهی نزع پیدا می کند.

همانطوریکه در تاریخ ایران خوانده بودیم محمدشاه ولیعهد خود عباس میرزا را به قصد توسعه طلبی سرحدات خویش به آنسوی ارس می فرستد. مقصود شاه الحاق تفریس و دیگر بلاد قفقاز بود که با جواب دندان شکن روسها مخصوصا ژنرال پاسکویچ روسی مواجه میشود. آنان نه تنها حتی یک قصبه ای را فتح نکردند بلکه با ذلت و خواری به پای قرارداد تورکمنچای مجبور به گذاشتن مهر و امضاء خود شده، چندین هزار کرور غرامت جنگی پرداخته، دست تجاوزگرشانرا از این بلاد می کشند. بعد از این واقعه ولیعهد جوان دق مرگ میشود و یا بقول خمینی جام زهر سر میکشد. این واقعه تاریخی بسال ۱۸۲۷ رخ داد ولی توسعه طلبان تهران نشین گاه- گاهی "واحسرتا هفده شهر قفقاز" سر میدهند.

اینهم کافی نبوده بقول معروف هر دم از این باغ بری می رسد. اخیرا مدیر روزنامه دولتی "کیهان تهران" شریعتمداری ادعای حاکمیت ایران را بر بحرین می کند و می افزاید که روزی این کشور باید به مام وطن (بخوان ایران) برگردد. این سخنان وی با مخالفت شدید کشور بحرین روبرو میشود و در نتیجه ایران با فرستادن وزیر خارجه اش متکی و عذرخواهی سعی در فروکش کردن خشم عربهای بحرینی می کند.

و اینبار، نه یکی دوبار بلکه چندمین بار- است که ایران ادعا میکند که سرزمین تورکمنیستان جزئی از خراسان بزرگ است که در نتیجه سیاستهای استعماری از کشور عزیز! جدا شده است. و چون از طرف نیازوف و هیچگونه اعتراضی به هارت و پورتهای مطبوعات ایرانی نشده و برخی از قلم بدست خودی! نیز این نوع یاوه سرایی هایی را تأیید کردند، آنان نیز جری تر شدند.

از فردای اعلام استقلال تورکمنستان این یاوه گویی ها چندین بار تکرار گردید. در سال ۱۳۷۵ کتابی تحت عنوان «کشور آفتاب» از سوی وزارت امور خارجه ایران چاپ گردید. در صفحه سوم این کتاب تورکمنها را فرزندان پارسیان! ذکر میکند. «باید همچنین به ارتباط ژنتیکی اشیا ترکمن در اواخر عصر حجر، اشیای معماری پارسیان و مارگیانا...» (ص ۴)... «... در همه جای ترکمنستان و در بین اجداد مردم ترکمن و گروههای نیمه ترکمن ماساگنها، داخها، پارسیان.. در روند حرکت قومی به نام ترکمن شناخته شد (ص ۵). جالب اینجاست این کتاب که به سه زبان فارسی، تورکمنی و انگلیسی چاپ شده در دو زبان انگلیسی و تورکمنی اجداد تورکمنها را نه پارسیان بلکه پارفیا یا پارتیان ذکر میکند. اینهم نوعی مرض است.

در سال ۱۹۹۸ تلویزیون ایران برنامه ویژه «مسلمانان دنیا» را در بخش تاریخ خود تهیه میکرد. در یکی از این برنامه ها که به کشور تورکمنستان اختصاص داده شده، ادعا میشود که این مناطق جزئی از سرزمین ایران باستانی بوده است. که «پدر تورکمنهای دنیا، سردار بزرگ، پره زیدنت دائم العمر تورکمنباشی» حتی جسارت جواب دادن و اعتراض به این یاوه گویی ها را نداشت.

و اینک در تاریخ سوم اکتبر ۲۰۰۷ خبرگزاری رسمی ایران "ایرنا" چنین ادعای ردیلاته ای را مطرح میکند که در زیر می خوانید:

« بر اساس اسناد تاریخی، ترکمنستان فعلی از نظر تاریخی جزئی از خراسان بزرگ محسوب می شده و شهرهایی مرو، نسا(عشق آباد)، ابیورد و چارجوی از مناطق مهم خراسان قدیم و حائز اهمیت از نظر فرهنگی و علمی بوده است. »

که الحق فرزند خلف نیازوف، بردی محمد جیک اش در نمی آید و مثل بحرین اعتراضی به این یاوه گویی ها نمی کند.

حالا بیایند و پیدا کنید پرتقال فروش را؟

اگر تورکمنستان فعلی جزئی از ایران بوده باشد، این سؤال مطرح میشود که خود خراسان "بزرگ" آن ایام متعلق به کدام امپراطوری بوده و تحت سیادت کدام سلطان و پادشاه بوده؟

همانگونه که در تاریخ خوانده ایم بعد از برگشتن اشغالگران اعراب از آسیای میانه به سرزمین دجله و فرات، تورکان غزنوی برهبری سلطان محمود نخستین حکومت با شکوه را در شمال افغانستان، ماری (مرو) و خراسان تشکیل داد و پایتخت خویش را در شهر غزنه (در افغانستان کنونی) قرار دادند. پس از سقوط سلسله غزنوی تورکمنهای سلجوق برهبری دوقاق امپراطوری وسیعی تشکیل داده از ماوراءالنهر تا دجله و فرات را بزیر سیادت خویش در آوردند. خراسان جزء کوچکی از آن امپراطوری باشکوه بود. سلاطین سلجوقی طغرل و چاغری در ماری و نیشابور اقامت گزیده، ری (تهران) و کرمان را تحت کنترل خویش در آوردند. که از آن بعنوان سلاجقه ری، سلاجقه کرمان و... در تاریخ ایران یاد می شود.



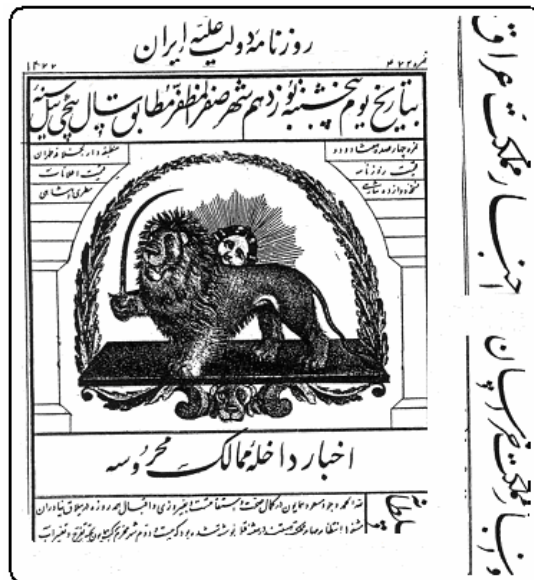
نقشه متصرفات سلجوقی که سمرقند تا دمشق را نشان می دهد

حال خیرگزاری رسمی ج. اسلامی ایران «ایرنا» ادعا می کند که تورکمنیستان و شهرهای آن مانند نوسای، آشغابات، ماری، قاقا (ابیورد) و چارچو جزء خراسان بزرگ (بخوان ایران- آگ) بوده است. والاهی خجالت هم خوب چیزی است.

ایرنا ادعا میکند «**بر اساس اسناد تاریخی**»، آخر کدام اسناد، اگر اسنادی دارید لطفاً رو کنید. در آن ایام که نامی از ایران در بین نبود بقول دکتر ضیاء صدر در مقاله «ایران و مسائل ایران»:

" اما نام سرزمین ایران واقعی بصورت رسمی و بین المللی، تنها از زمان قاجارها بعنوان "ممالک محروسه ایران" مطرح شد (روی تمبرها، سکه ها و در قانون اساسی ۱۹۰۵ م / ۱۲۸۴ هجری شمسی = ۱۳۲۴ هجری قمری) و از اواسط سلطنت رضا شاه، رسماً نام کشورما، چنانکه خود می گفتیم تنها ایران نامیده شد."

تا قبل از این تاریخ بنابه شواهد مسلم از آنجمله روزنامه های عهد ناصرالدین شاه همچون «روزنامه وقایع التفاقیه»، «روزنامه دولت علیه ایران» هریک از مناطق مختلف کشور بنام مملکتی خوانده میشد در هیچ از اعلانیهای دولتی و غیر اشاره ای نشده که آشغابات (عشق آباد) و غیره جزئی از خراسان بزرگ یا کوچک بوده باشد.



بگذارید فاکت‌های دیگری که این یاوه گویی های ایرنا را برملاء می سازد را نشان دهیم:

در سال ۱۸۳۷ سرکرده تورکمنهای یموت کناره دریای خزر قیات خان به فرماندار نظامی روس در تفلیس نسبت اظهارات سفیر جدید روسیه در تهران شکایت می کند. چرا که سفیر روس هنوز پایش را به تهران نگذاشته ادعا میکند که سرزمینهای حاشیه خزر متعلق به ایران است. قیات خان می نویسد:

«سفیر جدید روسیه در قصر شاه ایران ادعا میکند که روستاهای اترک و گرگان متعلق به ایران است. ما از شنیدن آن متعجب شدیم. وی تازه به اینجاها آمده و امروز اختلافات چندین صدساله را گویا به آسانی درک میکند. در این روستاهای ما - از قره سو تا اترک قبرستانها متعلق بکدام ملت است؛ تورکمنها یا فارسها؟ ما می خواهیم سفیر شما آنها را از مقامات تهران بپرسد» (به نقل تاریخ تورکمنها ج ۲ بقلم همین نویسنده)

اگر حتی یک فارس در اینجا ساکن بوده باشد باید بعد از مرگش قبری از او به یادگار بماند، در صورتیکه در سراسر سرزمین تورکمن حتی یک قبر نمی توانید پیدا کنید که به سبک شیعه باشد.

در سال ۱۸۷۸ سیاح مجارستانی آرمنیوس وامبری که از مناطق تورکمن نشین عبور کرده می نویسد:

«پای هیچ ایرانی (بخوان فارس) به این مناطق باز نشده مگر اینکه زنجیری برگردن داشته باشد.»

(سیاحت درویش دروغین به خانات آسیای میانه. نشر علمی و فرهنگی- تهران)

آزموده را آزمودن خطاست!

کرسی نشینان تهران دوبار به قصد تصرف سرزمین تورکمن لشکرکشی کردند. یکبار ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۱ برهبری جعفرقلیخان کرد شادلوبه قصد تصرف قارری غلا قشونی مجهز به توپ و توپخانه بر سر تورکمنها میفرستد و بار دوم همین شاه شیعه قاجار بسال ۱۸۶۰ برای تصرف شهر بزرگ ماری و اطراف آن حاکم خراسان حشمت الدوله را با چهل هزار قشون اعزام می کند. بقول وقایع نویسان داخلی یوسف قزوینی) و خارجی همچون بلوک ویل فرانسوی از این چهل هزار حتی چهارهزار نفر ایرانی به مشهد برنگشتند. در هر دو هجوم سپاهیان ایران آنچنان ضربه مهلکی از تورکمنها نوش جان می کنند که تا عمر دارند نباید فراموش کنند. در این مبارزات قهرمانانه تمامی تورکمنها یکدل و متحد گشته به قزلباشان شیعه قاجاری مشت محکمی فرود می آورند. **نوربردی خان و قاوشیت خان** با جمع کردن تمامی تورکمنها برسر یک سفره توانست این مهم را به انجام برسانند و پرچم شیر و خورشید نشان ایران بزیر پای جنگجویان تورکمن می افتد.



پرچم شیر و خورشید نشان ایران در زیر پای جنگجویان تورکمن
(نقاشی. رنگ روغن اثر آنانوروف)

اگر در این باره قرار است اسناد و مدارک را نشان دهیم مثنوی هفت من می شود. و می گوینم: "اگر در خانه کس است یک حرف بس است".

کرم درخت از خود درخت

وقتی «سردار بزرگ، پدر تمامی تورکمنهای دنیا» ساپارمراد نیازوف ادعا میکند که ما با ایرانیها هفت پشت، جد اندر جد برادریم (اشاره به سخنرانی وی در سال ۲۰۰۰ در روایت کوشگی)، وقتی که عبدالرحمان دیه جی در کتاب «زندگینامه و برگزیده اشعار مختومقلی فراغی» ادعا میکند که: «مختومقلی فراغی شاعر ترکمن در

سال ۱۷۳۳ میلادی در خیوه که در آن زمان بخشی از خاک ایران بود متولد شد.» (چشم ما روشن خیوه که بیش هزار و چند کیلومتر با سرحد ایران فاصله دارد نیز جزء خاک ایران بود و ما نمی دانستیم.) این کتاب از طرف انتشارات بین المللی الهدی در سال ۱۳۷۳ چاپ شده و این مؤسسه در تورکمنستان بشدت مشغول ارشاد! تورکمنهای گمراه! به دین مبین اسلام (بخوان شیعه) می باشد.

وقتی که ارازمحمد سارلی که از وی بعنوان محقق و استاد ذکر میشود در تمامی دو جلد کتاب تاریخ ترکمنستان سعی بر این دارد که نشان بدهد که ترکمنستان جزء ایران بوده، از «ایرنا» چه توقعی میتوان داشت؟ (این مناطق که روزی جزء خاک ایران محسوب می شد، در آن ایام جولان روسها شده. نه تنها دولت مرکزی ایران و حکومت بجنورد به حمایت از تکه هایی که عزم دفاع مقدس از دین و میهن داشتند برخاست... به نقل از جلد اول کتاب تاریخ ترکمنستان سارلی، ص ۲۹۶. این کتاب نیز مثل کتاب سرزمین خورشید از سوی وزارت امور خارجه ایران چاپ و منشر گردید.

عشق آباد، ایرنا ۸۶/۰۷/۱۱
"اراز محمد سارلی" محقق و استاد دانشگاه گرگان در مصاحبه با روزنامه ترکمنی "ترکمنستان" گفت، ترکمن های ایران از گسترش هر چه بیشتر روابط "عشق آباد تهران" خرسندند.

باش تا صبح دولتش بدمد!

سخنم را با بیتی از شاعر و فیلسوف بزرگمان مختومقلی به پایان میرسانم:

«قیامت دان بیر سوژ دیدیم بایاقددا قاراو باردیر یرسبز اورلان تایاقددا
ظالیملار حور بولار غالار آیاقدا آغلاما سن غاریپ؛ شیرتک بولارسن»

پراگ. پنجم اکتبر ۲۰۰۷